

پنجاه و یک

روی ۱۷ وزارت تفاهم شد



صفحه ۶

نماینده ولایت پکتیا: برخی چهره‌های حکومت گذشته در حملات اخیر دست دارند



یک عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید که در حملات اخیر، شماری از چهره‌های حکومت پیشین دخیل هستند. نادرخان کنوازی نماینده مردم ولایت پکتیا روز جمعه در مراسم یادبود از قربانیان حمله انتحاری در ولایت پکتیکا می‌گوید که برخی از چهره‌های حکومت پیشین در این حملات دست دارند و می‌خواهند با این کارشان حکومت را به چالش بکشند. او گفت: «می‌خواهم امروز یک موضوع را روشن بسازم و آن این‌که در حملات اخیر در کشور چهره‌هایی از حکومت گذشته دست دارند. این چهره‌ها زورمندان، غاصبین زمین و قاتلان مردم افغانستان هستند که ترس دارند ممکن حکومت کنونی از اعمال آنان حساب بخواند و به همین خاطر است که به حکومت فشار می‌آورند.» هرچند آقای کنوازی از کدام مقام پیشین که به باور او در حملات انتحاری و انفجاری اخیر در کشور دست داشته است، نام نمی‌برد، اما می‌گوید که حمله‌کننده‌گان انتحاری...

ادامه صفحه ۶

کارگذاری ماین در محراب مسجدی در خوگیانی ننگرهار

ملا امام را کشت و ۲۱ تن دیگر را مجروح ساخت



شبکه حقانی، از گروه‌های وابسته به سازمان استخبارات پاکستان می‌باشد.

ولایت نفوذ دارند. سخنگوی فرماندهی پولیس ولایت ننگرهار وضعیت امنیتی این ولایت را خوب توصیف کرد و گفت که نیروهای امنیتی در راستای تأمین امنیت ۲۱ ولسوالی ننگرهار آماده‌گی کامل دارند. حملات گروه‌های شورشی در یک ماه گذشته، به شدت افزایش یافته است. در حملات اخیر طالبان قربانیان اصلی غیرنظامیان بوده‌اند. تنها در ولسوالی یحیاخیل ولایت پکتیکا دست کم ۶۰ غیرنظامی جان باختند و بیشتر از ۱۰۰ تن دیگر زخم برداشتند. امنیت ملی افغانستان گفت که در پس این رویداد خونین شبکه حقانی دست دارد.

در اثر انفجار بمبی در یک مسجد در ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار، یک تن کشته شده و ۲۱ تن دیگر مجروح شده‌اند. حضرت حسین مشرقی‌وال سخنگوی فرماندهی پولیس ولایت ننگرهار به روزنامه ماندگار گفت که ماین کارگذاری شده در محراب مسجد جامع کهنه، باعث شهادت ملا امام این مسجد شد و دست‌کم ۲۱ نمازگذار را مجروح ساخت. ۲۱ تن از مجروحان این حادثه، به بیمارستان شهر جلال‌آباد منتقل شده‌اند. هنوز هیچ فرد یا گروهی مسوولیت انفجار را به عهده نگرفته‌اند. ولایت ننگرهار یکی از ولایت‌های نسبتاً ناامن در شرق کشور می‌باشد و طالبان در بخش‌هایی از این

در کنفرانس لندن

کابل خواستار تغییر شیوه کمک می‌شود



پنجشنبه (۶ قوس / ۲۷ نوامبر) در نشست بود مشترک نظارت و ارزیابی در کابل گفت جامعه جهانی در کنفرانس لندن تعهدات درازمدت شان تا سال ۲۰۲۴ را تجدید می‌کنند. زاخیلوال گفت تغییر در شکل مصارف کمک‌های جامعه جهانی به شکلی که موثریت بالاتر داشته باشد و بیشتر از طریق بودجه...

ادامه صفحه ۶

تلفات سنگین طالبان طی هشت ماه گذشته در غرب افغانستان



مقام‌های ارتش در غرب کشور از اجرای بیش از ۵۰ عملیات در هشت ماه گذشته در ولایت‌های غرب کشور خبر می‌دهند. این مقام‌ها می‌گویند در این عملیات‌ها نزدیک به دو هزار طالب مسلح کشته، زخمی و بازداشت شده‌اند که اکنون افراد بازداشت شده در زندان‌ها به سر می‌برند. تاج محمد جاهد فرمانده ارتش در غرب کشور، در یک کنفرانس خبری در قل اردوی ۲۰۷ ظفر گفت: در هشت ماه سپری شده از سال جاری، ۵۵ عملیات از سوی نیروهای ارتش در غرب کشور در...
ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها

یک کام
تا اعلام
کابینه

طرح ایجاد اصلاحات در شهر و شهرداری کابل پاسخی مختصر به درخواست رییس‌جمهور دکتر محمد اشرف غنی

تجدد خواهی
ادبی
هدایت

۲۵ نوامبر و
دایره ناتمام
خشونت علیه
زنان



احمد عمران

یک گام تا اعلام کابینه



سخن ماندگار

افزایش عملیات‌های انتحاری و بیکاره‌گی دولت وحدت ملی

در کمتر از دو هفته، افغانستان شاهد بیش از یازده حمله انتحاری و انفجاری بوده است و کابل در برخی روزها دو انفجار و ساعت‌ها جنگ را تجربه کرده است که بسیار بی‌سابقه بوده‌اند.

هنوز به خاطر داریم که سران دولت وحدت ملی در ایام کمپاین‌های انتخاباتی، آقای کرزی را به بی‌کفایتی در عرصه تأمین امنیت متهم می‌کردند؛ اما حالا چه کسی در درون دولت جدید وجود دارد که سر در گریبان فرو ببرد و دلیل این ناامنی‌ها و بی‌کفایتی‌ها را به مردم توضیح دهد؟ اما آنچه بسیار واضح است این که این حملات هدفمند در کابل بدون همکاری یک حلقه خاص که مزدور دشمن و در داخل دستگاه‌های حکومتی به خصوص نهادهای امنیتی حضور دارند و کار را بر دشمن آسان می‌کنند و آن‌ها به اهداف شان می‌رسانند. انتظار می‌رفت که در کابینه دولت وحدت ملی ستون پنجم دشمن از درون نهادهای امنیتی بیرون کشیده شوند اما متأسفانه هنوز که حدود سه ماه از تشکیل دولت وحدت ملی می‌گذرد، دولت کابینه اش را معرفی نکرده است چه رسد که ستون‌ها پنجم را اصلاح کند.

طبق قرارهای قبلی، سران این دولت می‌بایست افراد کابینه‌شان را پس از یک ماه از تشکیل دولت معرفی می‌کردند. که چنین نشد. نزدیک به سه ماه زمان در اثر چانه‌زنی‌های سیاسی و این که افراد کدام گروه به کدام پست‌ها گمارده شوند، سپری شد. هنوز هم معلق بودن کابینه باعث شده که سطح کیفی کار در تمام نهادها پایین بیاید و آنچه لازم است، به اجرا نرسد. حداقل کار نهادهای امنیتی نیز در همین راستا قابل محاسبه است؛ این که مقامات امنیتی کنونی به دلیل این که پس از معرفی نامزد وزیران، دیگر در کابینه حضور نخواهند داشت، به مسوولیت‌های ملی و ایمانی‌شان توجه نمی‌کنند و از این رهگذر است که موجی از ناامنی‌ها در سراسر کشور به راه افتاده است. در هر حال، بر مقامات حکومت وحدت ملی است که به این نکته و مساله توجه بیشتری نشان دهند که آن‌هم فقط از دو راه میسر است:

نخست این که مقامات دولت وحدت ملی هر چه سریع‌تر کابینه جدید را معرفی کنند؛ چون ممکن با آمدن مسوولان جدید، جلو این همه بی‌مسوولیتی و ناامنی در سراسر کشور گرفته شود. اگرچه به‌تازگی نوید معرفی شماری از نامزد وزیران تازه شنیده شده، اما جدیت زیادی به کار است تا این کار (تشکیل کابینه جدید) به سرعت عملی گردد.

دوم آن که پیش از معرفی کابینه، مقامات امنیتی کنونی از وظایف‌شان برکنار شوند و به جای آن، چند فرد با کفایت و شایسته به عنوان سرپرست معرفی گردند و همزمان با آن ستون پنجم را شناسایی و خنثی سازند و ریشه‌های اصلی این حرکت‌های خطرناک را افشا سازند.

در غیر آن اگر وضعیت به همین منوال پیش برود که از یک‌سو هر روز مردم افغانستان شاهد حملات خون‌بار طالبان باشند و از سوی دیگر، دولت نیز دست روی دست گذاشته و قربانی شدن مردم را تماشا کند؛ دیری نخواهد گذشت که موجی از اعتراضات در برابر دولت جدید شکل می‌گیرد و وضعیت را بدتر از بد می‌سازد.

دولت، مسوولیت تأمین امنیت مردم را دارد و این مساله نباید در گیرودارهای سیاسی و چانه‌زنی‌های قدرت فراموش گردد. اگر قرار باشد که چانه‌زنی‌های سیاسی باعث شود طالبان مجال آدم‌کشی و دهشت‌افکنی بیابند و نظام امنیتی از هم بپاشد، پس همان بهتر که مردم تا پایان چانه‌زنی‌های قدرت، کار و بار روزانه‌شان را تعطیل کنند و فقط به فکر حفظ جان‌شان باشند.

مسئلاً ادامه این وضع، مردم را از دولت وحدت ملی مأیوس می‌سازد و ثابت می‌کند که میان دولت آقای غنی و دولت آقای کرزی تفاوت بسیاری وجود ندارد!

بر اساس برخی گزارش‌ها، به‌زودی بخشی از کابینه دولت وحدت ملی معرفی می‌شود. این گزارش‌ها حکایت از این دارند که رییس‌جمهوری و رییس اجرایی بر سر ۱۵ وزارت و دو ریاست با یک‌دیگر به توافق رسیده‌اند. در همین حال گفته می‌شود که گفت‌وگوها در مورد ۱۱ وزارت دیگر نیز ادامه دارد و به‌زودی روی آن‌ها توافق می‌شود. سخن‌گویان و افراد نزدیک به رهبران دولت وحدت ملی خوش‌بین به نظر می‌رسند و اختلافات میان رییس‌جمهوری و رییس اجرایی را که گاه در رسانه‌ها از آن‌ها سخن گفته می‌شود، بی‌بنیاد می‌خوانند.

یکی از دوستان نزدیک به اشرف‌غنی که با من صحبت می‌کرد، حرف جالبی در مورد گفت‌وگوها بر سر تشکیل کابینه جدید گفت. به گفته این فرد که نمی‌خواهم در این نوشته نامی از او بگیرم، رییس‌جمهوری و رییس اجرایی پشت درهای بسته با هم در مورد تشکیل کابینه صحبت می‌کنند و نمی‌خواهند پیش از رسیدن به توافق نهایی، در این مورد حتا با نزدیک‌ترین افراد خود چیزی بگویند.

به گفته این فرد، آنچه را هم که برخی افراد و مقام‌ها گاه از آن سخن می‌گویند، بخش بزرگی از آن برساخته‌های خودشان در مورد کابینه است و نه جزئیات دقیق از گفت‌وگوها و مذاکرات دو رهبر. آن‌ها شاید چیزهایی شنیده باشند، اما این اندک یافته‌ها را با مقداری از خیال‌بافی‌های خود و شایعاتی که وجود دارد، مخلوط می‌کنند و به دیگران تحویل می‌دهند، آن‌هم به این دلیل که نشان دهند چیزهای زیادی در مورد تشکیل کابینه می‌دانند.

سخنان معاون اول رییس‌جمهوری در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی از همین دست سخنان باید تلقی شود. معاون اول ریاست جمهوری وقتی در برابر پرسش تقسیم کابینه بر اساس مفاد توافق‌نامه سیاسی مواجه شد، گفت که چنین امری عملی نیست و معنای دو دولت را می‌دهد. این سخنان یک روز بعد، واکنش داکتر عبدالله رییس اجرایی را در پی داشت که گفت: «در مورد کابینه فقط با رییس‌جمهوری صحبت می‌کنم». معنای سخن آقای عبدالله این است که بسیاری از مسائلی پشت پرده را افراد زیادی نمی‌دانند

و نباید در مورد آن چیزهایی که نمی‌دانند، حرف بزنند. اما از طرف دیگر، بحث فهم توافق‌نامه سیاسی و ایجاد دولت وحدت ملی چیزی نیست که منحصر به افراد خاصی باشد و باید همه و به ویژه مقام‌های ارشد کشور در مورد آن آگاهی کافی داشته باشند تا دچار سوءتعبیر و برداشت نشوند. سوءتعبیر از مسائلی عمدتاً زمانی رخ می‌دهد که کسی از یک موضوع آگاهی کافی نداشته باشد و بر اساس حدس و گمان بخواهد موضع‌گیری کند. موضع‌گیری‌هایی از این دست به شدت با روح توافق‌نامه سیاسی در تضاد قرار دارد و ایجاد دولت وحدت ملی را توجیه نمی‌کند.

سیاست‌مداران ما در هر رده و موقفی که قرار دارند، باید تلاش کنند مسائلی اصلی یک نظام را فهم کنند و آن‌گاه در صحبت‌های خود آن را بازتاب دهند. بحث دولت وحدت ملی که در پی توافقات سیاسی میان دو تیم انتخاباتی شکل گرفت، هرگز به معنای ایجاد دو دولت نیست و این تجربه در دیگر کشورهای جهان که بحران انتخابات داشته‌اند، انجام شده است. کنیا از نمونه‌های موفق تجربه ایجاد دولت وحدت ملی به دنبال جنجال‌های انتخاباتی است که رهبران دو تیم سرانجام توافق کردند که قدرت را میان خود تقسیم کنند.

آیا معاون اول ریاست جمهوری از این تجربه بی‌اطلاع است؟ آیا ایشان یک بار هم که شده، متن توافق‌نامه سیاسی میان رهبران دولت وحدت ملی را نخوانده‌اند؟ زیرا گفتن حرف‌هایی از این دست می‌تواند به گونه آشکار از بی‌اطلاعی و بی‌خبری در مورد متن توافق‌نامه سیاسی خبر دهد.

از اصل مطلب دور نشویم؛ کابینه برخلاف گمانه‌زنی‌های شماری، در حال شکل‌گیری است. بر اساس آخرین اطلاعات در این زمینه، ۹ کرسی به تیم اشرف‌غنی و ۸ کرسی دیگر به تیم داکتر عبدالله تعلق گرفته است. برخی منابع می‌گویند که بر اساس توافق‌های جدید، وزارت‌های کلیدی داخله و مالیه به تیم اشرف‌غنی و وزارت‌های کلیدی دفاع و خارجه به تیم داکتر عبدالله تعلق گرفته است. شماری از رسانه‌ها حتا نام‌هایی را هم به عنوان نامزد برخی سمت‌ها مطرح کرده‌اند. از غلام جیلانی پوپل رییس پیشین

ارگان‌های محلی به عنوان وزیر مالیه جدید و از عتیق‌الله بریالی معاون پیشین وزارت دفاع به عنوان وزیر دفاع نام برده می‌شود. البته هنوز زود است که در مورد صحت و سقم این نام‌ها و تقسیمات چیزی گفته شود؛ زیرا یک موضوع را نباید از یاد برد که افغانستان کشور شایعه است. در افغانستان به دلیل اطلاع‌رسانی ناقص، همواره شایعات، بازار پُرونقی دارند. هنوز کاری انجام نشده، بازار شایعه‌سازی داغ می‌شود. گاهی احتمال دارد تصمیم‌گیرنده‌گان گامی برداشته باشند، ولی شایعه آن‌ها را غافل‌گیر کرده باشد. دو نکته در تشکیل کابینه جدید باید مورد توجه رهبران دولت وحدت ملی باشد؛ دو نکته‌ی که به شدت برای جامعه افغانستان حساسیت‌زا شده است.

نکته اول: اقدام فوری برای تشکیل کابینه نزدیک به دو ماه از آغاز به کار دولت وحدت ملی می‌گذرد و خلاف وعده رییس‌جمهوری، کابینه در معیاد معین تشکیل نشد. شاید برخی مسائلی عمده در این رابطه مانع رسیدن به یک توافق همه جانبه شده باشد، ولی این موضوع را از یاد نبریم که دادن وعده‌هایی که اجرا نمی‌شوند، در آغاز کار می‌تواند واقع‌گرایی دولت تازه را با پرسش روبه‌رو کند. صداقت از معیارهای ارزش‌گذاری میان مردم است و اگر در این رابطه همواره رهبران دولت وحدت ملی دچار خلف وعده شوند، دیری نخواهد گذشت که حرف‌های‌شان به حرف‌های «چوپان دروغ‌گو» شباهت پیدا خواهد کرد.

نکته دوم: انتخاب وزیران بحث انتخاب افراد شایسته، متخصص و متعهد از بحث‌های عمده در کشور است. ظرف سیزده سال گذشته، دولت پیشین بدترین تجربه در این مورد را داشت. بسیاری از اعضای کابینه گذشته، افرادی ناکارآمد و فاسد بودند؛ افرادی که به‌ساده‌گی دست به اختلاس و گرفتن رشوه می‌زدند و لیاقت ناچیزی در اجرای امور از خود نشان می‌دادند. افرادی از این دست می‌توانند اعتبار و حیثیت دولت وحدت ملی را با آن‌همه وعده‌های چرب و نرم به شدت تضعیف سازند.

آیا استعفای هاگل به معنی تغییر راهبرد امریکا علیه داعش است؟

پایگاه کریستین ساینس مانیتور



چاک هاگل پیش از استعفای خود از مقام وزیر دفاع امریکا از راهبرد واشنگتن در سوریه در مقابله با داعش طی نامه‌ای به سوزان رایس، مشاور امنیت ملی انتقاد کرد. اگرچه پنتاگون تاکید کرده که ارتباطی میان این دو اتفاق وجود ندارد اما این سوال مطرح است که آیا استعفای هاگل به معنی تغییر راهبرد امریکا در مقابله با داعش است؟

استعفای مقامات مهم اغلب پیش زمینه‌ای برای ایجاد چنین تغییراتی در سیاست‌هاست و کاخ سفید شدیداً تلاش داشته تا از رویکرد خود در عراق و سوریه، کشورهایی که در آن‌ها داعش کنترل مناطق وسیعی را در اختیار گرفته، دفاع کند.

دریادار جان کربی، دبیر مطبوعاتی پنتاگون روز سه شنبه در کنفرانسی مطبوعاتی به خبرنگاران گفت: هیچ ارتباطی میان استعفای وزیر دفاع امریکا که اخیراً اعلام شد و راهبردی که ما برای مقابله با داعش در عراق و سوریه در پیش گرفته‌ایم وجود ندارد. من از هیچ یک از این دو اتفاق نتیجه‌ای درخصوص اتفاق دیگر نگرفته یا پیش‌بینی تغییری در آن‌ها نمی‌کنم.

مقامات پنتاگون تاکید کرده‌اند راهبرد فعلی برای مقابله با داعش در حال جواب دادن است. جان کربی در این باره گفته است که در زمینه مقابله با داعش آنها در حال حصول پیشرفت هستند.

وی همچنین افزود: نیروهای امنیتی عراق اکنون از بغداد عبور کرده و به سمت استان الانبار در غرب عراق پیشروی کرده‌اند. کربی همچنین گفت که نیروهای پیشمرگ کرد نیز همچنان به پیشروی‌های خود در شمال ادامه می‌دهند.

یک گزارش که اخیراً از سوی موسسه مطالعات جنگ در امریکا منتشر شد می‌نویسد: نیروهای پیشمرگ کرد ظاهراً در حال ایجاد یک منطقه امنیتی در اطراف استان دیاله، پناهگاه سابق افراط‌گرای داعش هستند و در عین حال شبه نظامیان شیعه نیز توانستند شهرهایی را در استان دیاله از داعش بازپس گیرند.

گروگان‌های هندی داعش در عراق «زنده هستند»



دولت هند درباره سرنوشت ۳۹ تبعه هندی که حدود شش ماه پیش توسط شبه‌نظامیان داعش در نزدیکی شهر موصل گروگان گرفته شدند، اعلام کرده که تصور می‌کند آنها زنده هستند.

شوشما سواراج، وزیر خارجه هند، گفت که تلاش‌ها برای یافتن آنها ادامه دارد، اگرچه تاکنون ارتباط مستقیمی با آنها برقرار نشده است.

وزیر خارجه هند به اعضای پارلمان گفت اطلاعاتی که «کشورها و نهادهای دوست» ارائه کرده‌اند نشان می‌دهد که پیکارجویان داعش این ۳۹ کارگر هندی را نکشته‌اند.

چیزی حدود ۱۰ هزار کارگر هندی در عراق شاغلند، اما گفته می‌شود که عده معدودی در مناطق خطرناک به سر می‌برند.

کارگرانی که داعش در موصل به گروگان گرفت، برای یک شرکت ساختمانی ترکیه‌ای کار می‌کرده‌اند.

شماری از شهروندان ترکیه نیز در روزهای آغازین تصرف شهرهای بزرگ عراق توسط داعش گروگان گرفته شدند که البته پس از مدتی آزاد شدند.

۴۶ پرستار هندی نیز که در شهر تکریت کار می‌کردند سرنوشت مشابهی داشتند و پس از حدود یک ماه آزاد شده و به هند بازگشتند.

رییس شورای اروپا:

اتحادیه اروپا بدون انگلیس زنده می‌ماند اما بدون فرانسه می‌میرد



رییس شورای اروپا روز پنج‌شنبه گفت، اگر انگلیس از اتحادیه اروپا خارج شود این بلوک زنده می‌ماند اما بدون فرانسه می‌میرد.

به گزارش خبرگزاری اسپاتنیک، هرمن ون رومپوی، رییس شورای اروپا گفت: اتحادیه اروپا بدون انگلیس لطمه می‌بیند در نتیجه هر کاری انجام می‌دهیم تا از این لطمه اجتناب کنیم اما با وجود تمامی صدمه‌ها اتحادیه اروپا بدون انگلیس زنده می‌ماند اما اروپا و یا ایده اروپا بدون فرانسه می‌میرد.

اظهارات وی همزمان با خدشه‌دار شدن روابط میان اتحادیه اروپا و انگلیس منتشر شد.

دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس متعهد شده تا به خاطر فشارهایی که از داخل کشور متحمل است درباره رابطه کشورش با اتحادیه اروپا مجدداً مذاکره کند. نیمی از اعضای کابینه انگلیس معتقدند که اگر دیوید کامرون در اصلاح وضعیت عضویت انگلیس در اتحادیه اروپا ناکام بماند انگلیس باید از این بلوک خارج شود.

کامرون قرار است درباره برنامه‌هایش برای اصلاح رابطه میان اتحادیه اروپا و انگلیس در چند روز آتی سخنرانی ایراد کند که شامل محدودیت‌های احتمالی عبور و مرور آزادانه مردم در داخل کشورهای عضو اتحادیه اروپاست.

ون رومپوی گفت: ۲۷ کشور دیگر عضو اتحادیه اروپا برای شنیدن خواسته‌های دیوید کامرون آماده هستند اما درباره قوانین اساسی اتحادیه اروپا تجدید نظر نمی‌کند و اتحادیه اروپا درباره حق کارکنانی که باید آزادانه میان کشورهای عضو سفر کنند، مذاکره نخواهد کرد.

وی گفت: تصمیم درباره این مساله به مردم انگلیس بستگی دارد. فکر می‌کنم که شرکای اروپایی برای بررسی جدی خواسته‌هایی که برای لندن اهمیت دارد آماده هستند اما درباره قوانین اساسی اتحادیه اروپا مذاکره نخواهند کرد.

این گزارش عنوان کرد: همچنان که گروه داعش به پیشبرد کمپین خود ادامه می‌دهد تهدید بی قانونی در عراق افزایش یافته است. این تهدید به ویژه در دیاله، بغداد و همچنین بصره در جنوب عراق در حال افزایش است.

با این حال چاک هاگل در مقام وزیر دفاع امریکا با نوشتن نامه‌یی به سوزان رایس مشاور امنیت ملی این کشور توضیح داد که وی نگران است سیاست امریکا در سوریه شکست بخورد.

وی در این نامه به طور تلویحی، این گفته کاخ سفید را مبنی بر اینکه راهبردش در حال جواب دادن است به چالش کشید. اما آیا این یکی از دلایل تسریع کننده کنار گذاشتن چاک هاگل از وزارت دفاع بوده است؟

جان کربی خاطر نشان ساخت: اختلافات سیاسی و یا بحث‌ها و جدلهایی وجود دارد اما این‌ها

کوریای شمالی امریکا را «توندرای حقوق بشر» خواند



پیونگ‌یانگ با اشاره به اعتراضات فرگوسن در ایالت میسوری، امریکا را به «توندرای حقوق بشر» تشبیه کرد که در آنجا تبعیض نژادی موج می‌زند.

به نوشته روزنامه گاردین، سخنگوی وزارت امور خارجه کوریای شمالی با اشاره به نحوه اجرای قوانین در امریکا اعلام کرد: تظاهرات‌های اعتراضی چهره واقعی امریکا را نشان می‌دهد که توندرای حقوق بشر است و در آن اقدامات تبعیض‌آمیز نژادی افراطی به وضوح دیده می‌شود.

این اظهارات در حالی مطرح شده است که یک هفته پیش سازمان ملل قطعنامه‌ای را صادر کرد و از شورای امنیت خواست تا رهبر کوریای شمالی را به دلیل ارتکاب احتمالی جرایم علیه بشریت به دادگاه کیفری بین‌المللی فرا بخواند. دولت پیونگ‌یانگ با رد ادعاهایی مبنی بر ارتکاب جرایم جنگی، به شدت به قطعنامه مذکور واکنش نشان داد.

در ادامه بیانیه وزارت خارجه کوریای شمالی آمده است: نکته مضحک این است که امریکا تلاش می‌کند تا کشورهای دیگر را با معیار اشتباه حقوق بشر خود بسنجد و این در حالی است که خودش ناقض حقوق بشر است. باراک اوباما همواره تلاش می‌کند تا با صحبت کردن درباره اجرای قانون، تبعیض نژادی را توجیه کند.

اصطلاح توندرا (Tundra) از یک لغت فنلاندی به معنای «زمین لخت یا خاک دشمن» گرفته شده است. این کلمه معمولاً به مناطق بی

اردوغان:

باور کنید خارجی‌ها ما را دوست ندارند

رییس جمهوری ترکیه گفت: خارجی‌ها به این دلیل قادر نیستند مشکلات خاورمیانه را حل و فصل کنند چون ما را دوست ندارند و تنها به دنبال پول ما هستند.

به نوشته روزنامه حریت، رجب طیب اردوغان، رییس جمهوری ترکیه در جریان خطابه‌ای در کمیته دائم همکاری اقتصادی و تجاری سازمان همکاری اسلامی در استانبول گفت: فقط خودمان می‌توانیم مشکلاتمان را حل کنیم. بگذارید به صراحت بگویم خارجی‌ها عاشق طلا، نفت، الماس و نیروی کار ارزان جهان اسلام هستند. آنها دوستدار خشونت، درگیری و ناآرامی‌ها در خاورمیانه هستند. باور کنید که آنها ما را دوست ندارند. آنها شبیه به دوست هستند اما می‌خواهند ما بمیریم، فرزندانمان کشته شوند. کشورهای خاورمیانه باید خودشان و بدون کمک گرفتن از غربی‌ها مشکلاتشان را حل کنند.

اردوغان ادامه داد: تنها شرط برای از میان بردن این بحران در جهان اسلام اتحاد، همبستگی و یکپارچگی است. مادام که ما متحد هستیم می‌توانیم هر مشکلی را حل کنیم. کشورهای اسلامی که اخیراً از نظر اقتصادی توسعه یافتند با بزرگترین بحران انسانی و سیاسی در تاریخ خود مواجه‌اند. اما اگر ما با هم باشیم، می‌توانیم تنهایی فلسطین پایان دهیم و از قتل‌عام کودکان در عراق و سوریه جلوگیری کنیم.



بخش دوم

طرح ایجاد اصلاحات در شهر و شهرداری کابل



**عبیدالله مهدی - دانشجوی دورهٔ
ماستری رشتهٔ شهرسازی و مدیریت
شهری دانشگاه پولی تکنیک فرانسوا
ریبلی - فرانسه**

۲- آلودگی هوا

تحقیقاتی که برای سنجش میزان آلودگی هوا در شهر کابل انجام شده است، نشان می‌دهد که هوای کابل غیرصحیح و به شدت آلوده است. استفاده از مواد نفتی بی کیفیت، موتوره‌های فرسوده و کهنه، سوزاندن چوب و زغال برای تسخین، استفاده از هر ماده قابل سوختن در فصل سرد و سرک‌ها و کوچه‌های خامه، همه دست به دست هم داده اند و اکنون، هوای شهر کابل فاجعه‌بار است. مصارف تسخین هر خانواده در شهر کابل تقریباً ده برابر مصارف یک خانواده در یک شهر مدرن است. استفاده از چوب برای گرم ساختن خانه‌ها، در کنار آن که غیر اقتصادی و بسیار سنگین است، دو ضرر جبران‌ناپذیر دیگر نیز به همراه دارد: نخست آن‌که باعث آلودگی هوا و ایجاد انواع بیماری‌ها می‌شود؛ دوم این‌که، رفته‌رفته باعث قطع شدن درخت‌ها و از بین رفتن جنگلات افغانستان می‌شود. در صورتی که دولت از سیستم مرکزگرمی و تسخین با آب گرم استفاده کند، مصارف هر خانواده ده برابر کمتر می‌شود و نیز از آلوده شدن هوا و قطع شدن درختان جلوگیری به عمل می‌آید. در این بخش پیشنهاد می‌گردد که شهرداری کابل، به زودترین فرصت طرح ایجاد سیستم مرکزگرمی در تمام نواحی شهر کابل را روی دست بگیرد. با یک برنامه دقیق و سنجیده‌شده اگر از بهار سال آینده روی این طرح کار صورت بگیرد، می‌توان زمستان آن سال را فارغ از دود چوب و زغال پیش‌بینی کرد.

۳- آب باران

طوری که تجربه‌های تلخ چند سال اخیر نشان می‌دهد، بارندگی باعث

ایجاد مشکلات بسیار زیاد محیط زیستی و ترافیکی در شهر کابل می‌شود. در بارندگی‌های شدید در کابل، مقدار آب باران بیشتر از ظرفیت جوی‌های کنار جاده می‌شود و سپس باعث بندش جاده‌ها و سرازیر شدن سیلاب آلوده و ملوث از کوه‌های اطراف کابل به داخل شهر می‌شود. از آن‌جا که جوی‌های کنار جاده‌ها راه بیرون‌رفت ندارند، آب باران در جوی‌ها و سرک‌ها گردش می‌کند تا کم‌کم بخار و یا جذب زمین شود. این مشکل در آینده نیز پیش خواهد آمد و شهرداری کابل باید برای مقابله با آن، آماده‌گی‌های لازم را روی دست بگیرد. در گام نخست، مقدار بارندگی محاسبه شود و سپس به راه‌حلی عملی دست زده شود. یک تعداد کانال‌های آب از گذشته وجود دارند که حالا مسدود شده اند. می‌توان با پاک‌کاری و بازسازی اساسی این کانال‌ها یک بخش مشکلات را کمتر نمود. مسیر جریان آب نظر به نقشه توپوگرافیکی شهر کابل، دقیق و روشن ترسیم شود و در هر مسیر، کانال‌های با ظرفیت لازم و جوی‌های فرعی ساخته شوند. می‌توان در نهایت، این آب را به دریای کابل وصل کرد تا از آن در زراعت و تولید برق استفاده صورت گیرد. در این صورت، بارندگی‌های سنگین در شهر کابل، از یک مصیبت به یک فرصت اقتصادی تبدیل می‌شود.

۴- زباله

مشکل زباله و پلاستیک در شهر کابل، از اهمیت فراوانی برخوردار است. زیرا زنده‌گی روزمره و صحت جامعه را تهدید می‌کند. تاکنون هیچ آمار رسمی و تحقیقی به دسترس نیست که نشان دهد روزانه به چه اندازه زباله تولید می‌شود تا بر اساس این آمار، به طراحی و پیشنهاد راه‌حل اقدام شود. در این خصوص سه مورد پیشنهاد می‌شود:

نخست: یک پژوهش صورت بگیرد تا میزان تولید زباله را با تفکیک مواد

تشکیل‌دهنده روشن بسازد.

دوم: سیستم توزیع پاکت به هر خانه، جمع‌آوری زباله، و مرحله بازیافت زباله در چهارچوب شهرداری کابل ایجاد شود. مقدار تولید زباله و پلاستیک شهر کابل بسیار زیاد است و این زباله‌ها و به‌ویژه پلاستیک، تبدیل به یک دردسر بزرگ شده اند. اما اگر به‌صورت دقیق و سنجیده شده، در جمع‌آوری و بازیافت آن کار صورت گیرد، می‌توان این مشکل بزرگ را به یک فرصت بزرگ اقتصادی و نیز زمینه‌کاریابی به هزاران نفر تبدیل نمود. حتی بر اساس مدل شهرهای صنعتی مانند ساوپالو- برزیل، می‌توان از گاز ناشی از وجود زباله، برای تولید انرژی استفاده کرد.

سوم: به‌جای استفاده از مواد غیر قابل تجزیه در طبیعت (مانند پلاستیک)، از مواد و پاکت‌های کاغذی و گیاهی استفاده شود.

۵- دریای کابل

دریای کابل در طی سال‌های اخیر، بسیار کم‌آب است. از آن‌جا که در درازای دو کنار دریا در داخل شهر، بازارهای مواد غذایی، میوه و ترکاری‌فروشی و رستوران‌ت ساخته شده است، این بازارها از کانال دریا به حیث محلی برای ریختن زباله‌ها و بقایای مواد غذایی استفاده می‌کنند. در نتیجه، محیطی برای رشد و گسترش انواع میکروب‌ها در کانال دریا به‌وجود آمده است. این دریا، تهدیدی خطرناک به صحت مردم شده است. از جانب دیگر، بو و تعفن آن هم در داخل شهر پخش می‌شود. پیشنهاد می‌گردد که در یک گام اساسی، بستر دریا پاک‌سازی شود و پس از آن، در مناطقی مانند فروشگاه و مندوی، مسجد شاه دو شمشیره، مسجد پل خشتی و ساحهٔ مرادخانی، بر روی کانال و برابر با سطح سرک کنار دریا، مانند پل ساختمان ایستگاه‌های چندمنزله/پارکینگ و تشناب‌های عمومی عصری ساخته شود.

عواملی که شما را

پیر می‌کنند

همیشه راه‌هایی برای به تأخیر انداختن روند پیری وجود دارد. به نظر متخصصان، از ۳۵ سالگی به بعد هر سال تنها کم‌تر از یک درصد آفت فیزیکی و ذهنی مربوط به روند پیری است، در حالی که ما تصور می‌کنیم اضافه وزن، بیماری‌های مزمن و متکی بودن به دیگران، با افزایش سن طبیعی ارتباط دارند.

اما در واقع سن، سنجش زمان است و نمی‌توان عمر واقعی بدن را با آن محاسبه کرد. متخصصان فهرستی از عواملی که باعث ایجاد احساس پیری در افراد می‌شود تهیه کرده و بر اساس آن، راهکارهای ساده‌یی برای کاهش این اثر پیشنهاد کرده‌اند.

کم تحرکی

این عامل در سرعت یافتن روند پیری تأثیرگذار است و با بیماری‌های مزمن ارتباط دارد. اگر نمی‌توانید هر روز به باشگاه ورزشی بروید، باید بدانید کارهای دیگری هم برای فعال ماندن وجود دارد. به طرز نشستن خود توجه کنید. شانه‌ها را عقب دهید، صاف بایستید و بنشینید و از خم شدن پرهیزید. نفس عمیق بکشید. طوری راه بروید که گویی برای رسیدن به یک جلسه یا قرار، عجله دارید.

کاهش فعالیت ذهنی

بیشتر ما گمان می‌کنیم در دوران بازنشستگی دیگر فعالیت ذهنی نخواهیم داشت. در حالی که می‌توان در این زمان روی انجام کار خاصی تمرکز پیدا کرد و یا مهارتی را آموخت. پس از سپری کردن یک روز طولانی و خسته‌کننده، احتمالاً دوست دارید جلو تلویزیون دراز بکشید و برنامهٔ محبوب خود را تماشا کنید. بهتر است به جای آن به یک کار ذهنی بپردازید، از جمله بازی شطرنج، خواندن کتاب و... هر کاری که باعث شود از مغز استفاده کنید.

رژیم غذایی نامناسب

حتماً شنیده‌اید که میوه، سبزی، حبوبات سبوس‌دار و پروتئین‌های کم‌چرب برای حفظ سلامت مفید است. اما راه دیگری برای حفظ سلامت، آرام خوردن است تا غذا به خوبی هضم شود.



استرس بیش از حد

استرس مزمن باعث بالا رفتن میزان کورتیزول و در نتیجه التهاب عمومی بدن می‌شود. آن‌چه را باعث استرس شما می‌شود، شناسایی کنید و تا حد امکان از موقعیت‌های استرس‌زا فاصله بگیرید.

افکار منفی

بیشتر مردم از تأثیرگذاری فکراتی خوب یا بد روی بدن بی‌اطلاع‌اند. لازم است روی افکار مثبت تمرکز کنید.

استنشاق دود سگرت

دود سگرت برای افراد غیرسگرتی بسیار مضر است. در این زمینه محدودیت ایجاد کنید و از افراد سگرتی فاصله بگیرید.

آلودگی‌های شیمیایی

تا حد امکان در محیط آلوده و بسته قرار نگیرید و مصرف مواد شیمیایی اعم از مواد شوینده، آرایشی و... را کاهش دهید.

مصرف بی‌رویه دارو

اگرچه مصرف مسکن، برای رفع برخی دردها و ناراحتی‌ها مفید است، اما در طول زمان سلامت شما را تهدید می‌کند. بنابراین حتماً زیر نظر پزشک از این داروها استفاده کنید.



دکتر حسین پاینده

بخش دوم و پایانی

... راوی در زمان ارضای غرایز (شب)، به «گردش» رفته؛ به بیان دیگر، نفس خود را از قیدوبندهای معمول رها کرده است. در عین حال، هوا گرفته و بارانی و مه آلود است. راوی اشاره می‌کند که در چنین حال و هوایی، «یک نوع آزادی و راحتی حس می‌کردم». این احساس کاملاً موجه است، زیرا هوای بارانی و مه آلود که، باز به قول راوی، «از زنده‌گی رنگ‌ها و بی‌حیایی خطوط اشياء می‌کاهد»، به او مجال داده تا با ژرف‌ترین لایه‌های روانش رویه‌رو شود. مهارها برداشته شده‌اند و شب و تنه‌بودگی در تاریکی شب، راوی را با نفس نامکشوفش مواجه کرده است. در این ساحت (روان)، دیگر نیازی به نقاب‌های زنده‌گی روزمره (زنده‌گی در روشنایی نور) نیست. این‌جا می‌توان خود بود بی‌هیچ تکلف و تظاهری. «بی‌اراده پرسه زدن» راوی تناسب دارد با آزاد گذاشتن ضمیر ناخودآگاه که گفتیم برتون آن را «خودکاری محض روان» می‌نامید. رویارویی راوی با زن اثیری در چنین فضایی امکان‌پذیر می‌شود: هنگامی که پاسی از شب گذشته و «مه انبوهی در هوا متراکم» شده است، راوی «هیکل سیاه‌پوش» زن اثیری را می‌بیند که روی سکوی در خانه‌اش نشسته است. نشستن زن اثیری در این مکان همان قدر به‌جا و دلالت‌مند است که سیاه‌پوش بودن او. خانه فضایی کاملاً خصوصی است که بنیانی‌ترین غرایز در آن ارضا می‌شوند و رنگ سیاه لباس زن اثیری، تداعی‌کننده ماهیت رازآمیز این غرایز است که اجابت آن‌ها از دیرباز در فرهنگ‌های مختلف با نوعی «مرگ» یک‌سان پنداشته شده است. فضا سازی سورریالیستی هدایت در این صحنه، موجد احساسی و همناک است؛ گویی که زمان تعلیق شده و مکان به هزارتویی ناآشنا و ظلمانی تبدیل شده است. اشاره مکرر راوی به مه و تاریکی، تشدیدکننده حال و هوای و همناک است که کل این صحنه را به کابوسی پُر رمز و راز تبدیل می‌کند. خواندن این صحنه، درست مانند تماشای تابلوهای نقاش سورریالیست سالوادور دالی، خواننده را هم مسحور می‌کند و هم گیج. توأم شدن حس ناشنایی که ناشی از کاربرد کلمات مألوف است با حس ناآشنایی که از ترکیب ایماژهای غریب و بهت‌آور نشأت می‌گیرد، خواننده را در ورطه‌ی نیمه‌تاریک بین یقین و تردید در حالت تعلیق نگه می‌دارد. خواننده از یک‌سو می‌خواهد جزئیات متن را معنادار کند و از سوی دیگر نشانه‌های روشن و متقنی برای این معنا سازی نمی‌یابد. در چنین فضای سورریالیستی است که راوی بوف کور روایت و همناک خود را از تجربه‌ی کابوس‌وار به خواننده عرضه می‌کند. متن‌های نمونه‌ی که از داستان «فردا» و بوف کور

بررسی کردیم، حکایت از این دارند که هدایت تحولات ادبیات و به‌خصوص شیوه‌های نو در داستان‌نویسی را با علاقه و دقت دنبال می‌کرد و می‌کوشید آثارش را با سوییچی نوآورانه و بدعت‌گذارانه بنویسد. او از این نکته غافل نبود که به فراخور تحولات اجتماعی‌بی که در ایران رخ می‌داد، یا به بیان دیگر متناسب با حرکت جامعه ایرانی به سمت مدرنیته، باید تعریفی نو و اهدافی جدید برای ادبیات به دست داد. این وقوف یا خودآگاهی را از جمله در یکی از نوشته‌های تقریباً مغفول‌مانده هدایت با نام «اوسانه» می‌تواند دید. اوسانه عنوان جزوه کوچکی حاوی ترانه‌های عامیانه است که هدایت آن را نخستین بار در سال ۱۳۱۰ منتشر کرد. او در «دیباچه»ی این جزوه چنین می‌نویسد: «ایران رو به تجدد می‌رود؛ این تجدد در همه طبقات مردم به‌خوبی مشاهده می‌شود؛ رفته‌رفته افکار عوض شده، رفتار و روش دیرین تغییر می‌کند و آنچه قدیمی است، منسوخ و متروک می‌گردد. تنها چیزی که در این تغییرات مایه تأسف است، فراموش شدن و از بین رفتن دسته‌ی از افسانه‌ها، قصه‌ها، پندارها و ترانه‌های ملی است که از پیشینیان به یادگار مانده و تنها در سینه‌ها محفوظ است. زیرا تاکنون این‌گونه تراوش‌های ملی را کوچک شمرد و علاوه بر این‌که در گردآوری آن نکوشیده‌اند، بلکه آن‌ها را زیادی دانسته و فراموش شدنش را مایل بوده‌اند! چه‌قدر شاعرانی که دیوان‌شان به چاپ رسیده، ولی امروزه کسی آن‌ها را نمی‌خواند و نمی‌شناسد — چون طبیعتاً به واسطه تغییر زمان و افکار از اهمیت گفتار آن‌ها کاسته و همه تشبیهات و کنایات اغراق‌آمیز آن‌ها بی‌مزه و خنک شده. اما از طرف دیگر، آثار ادبی‌بی که دارای فکر نیرومند و ارزش حقیقی است، تازه‌گی خود را از دست نداده و روز به روز بر اهمیت آن‌ها افزوده می‌گردد.» (نوشته‌های پراکنده، ص. ۲۹۶)

نکاتی که هدایت در نقل قول بالا ذکر کرده، از چند نظر درخور تأمل است. نخست این‌که «تجدد» از نظر هدایت، فرایند مشهود و انکارناپذیری بوده است که به تدریج «افکار» و «رفتار» و «روش»‌های گذشته را دگرگون می‌کند و بدین ترتیب «آنچه قدیمی است، منسوخ و متروک می‌گردد». پس هدایت از اجتناب‌ناپذیری بودن ورود مدرنیته به ایران و تأثیر گذاشتن آن در اندیشه‌ها و رفتارهای مألوف، کاملاً آگاه است. از این رو، نباید تعجب کرد که او خود با نوشتن داستان به روش‌های نو و یا با پرداختن به مضامین مربوط به مسایل جامعه زمان خود، این آگاهی را به نقادانه‌ترین شکل نشان می‌دهد. لیکن همین نویسنده‌ی که دیدیم در آثارش چه‌گونه مدرن‌ترین صناعات داستان‌نویسی را پیش‌تازانه به کار برده است، در این‌جا با لحنی به ظاهر محافظه‌کارانه هشدار می‌دهد که به فراموشی سپرده شدن میراث

ادبی و فرهنگی گذشته، به قول خودش «مایه تأسف» است. غفلت نویسنده‌گان از میراث ادبی، در حکم ابتر شدن خلایقیت آنان است. موضوع دیگری که در پیوند با گفته‌های هدایت در مقدمه اوسانه در خور تأمل به نظر می‌رسد، عبارت است از موازنه ظریفی که او بین میرنده‌گی و مانده‌گاری آثار ادبی قایل می‌شود. به اعتقاد هدایت، «تشبیهات و کنایات اغراق‌آمیز» شاعرانی که افکارشان به دلیل تحولات اجتماعی با زمانه نو سنخیتی ندارد، به سهولت به بوته فراموشی سپرده می‌شود؛ حال آن‌که آثار دارای «فکر نیرومند» هر روز بر اهمیت‌شان افزوده می‌شود. پس نوآوری و بدعت‌گذاری، زمانی می‌تواند منجر به تولید متن‌های ماندگار شود که حاوی اندیشه‌ی تأمل‌انگیز باشد. متون ادبی برای این نوشته نمی‌شوند که مهارت یا توانایی خارق‌العاده مؤلف را به نمایش بگذارند. هر متن ادبی، نوعی کاوش نقادانه درباره وجهی پیچیده از زنده‌گی یا جنبه‌ی مسأله‌ساز از روابط انسان‌هاست. داستان‌نویس داستان می‌نویسد، زیرا این وجوه و جنبه‌ها به مشغله ذهن او تبدیل شده‌اند. نویسنده‌ی که فقط در پی شکستن هنجارهای متعارف در زمانه خود باشد اما اندیشه‌ی برای مطرح کردن نداشته باشد، هرگز نخواهد توانست اثری در خور توجه یا مانده‌گار از خود باقی گذارد. هدایت در انتقاد از این دسته از نویسنده‌گان و شاعران هیچ تردیدی به خود راه نمی‌داد. نمونه این صراحت لهجه را در یکی از معدود مقالاتی که هدایت در حوزه نقد ادبی نوشت، می‌توان دید. در خرداد ۱۳۲۰ مقاله‌ی «امضای نویسنده‌ی ناشناس در مجله موسیقی آن زمان منتشر شد که در واقع نگارنده آن صادق هدایت بود. این مقاله، با عنوان «شیوه‌های نوین در شعر فارسی»، انتقاد تندی است از شعرهای برخی شاعران معاصر هدایت که فاقد معنا اما واجد صورت شعری بوده‌اند. البته هدایت به این منظور از اشعار برخی از شاعران صاحب‌نام زمانه خود استفاده کرد (از جمله ملک‌الشعراى بهار، لطف‌علی صورت‌گر، سید حسین شجره، پرویز خانلری، نیما یوشیج و دیگران)، به این ترتیب که شعرهای طنزآمیزی به تقلید از اشعار این شاعران سرود تا نشان دهد که چه بسا شعری در عین داشتن وزن و قافیه و سایر ویژه‌گی‌های صوری، از هرگونه معنا تهی باشد. در ابتدای مقاله یادشده، هدایت با لحنی طنزآمیز متذکر می‌گردد که «می‌گویند شعر آینه دل است، اما اگر گرد و غباری بر روی آن بنشیند و آن را کدر کند، محتاج صیقلی است. این همان صیقل تجدد است که شعرای معاصر پدید آورده‌اند و البته این معنی دل و جگر را تر و تازه می‌سازد» (نوشته‌های پراکنده، ص. ۴۰۴). آبرونی مستتر در اشاره هدایت به «تر و تازه» شدن «دل و جگر» بر اثر «صیقل تجدد»، حکایت از آن دارد که هدایت قصد

انتقاد از نوگرایی‌بی را دارد که ظاهراً در ستایش آن می‌نویسد. با اتخاذ این لحن آبرونی‌دار، هدایت در بقیه مقاله به تمسخر اشعاری می‌پردازد که به اعتقاد وی عاری از محتوایی حقیقتاً شعری هستند. او هر یک از این اشعار را به مکتب ادبی من‌درآوردی‌بی منتسب می‌کند، مانند مکتب «باباشملیسم» (ص. ۴۰۵)، مکتب «vomitisme» (یا تهوع‌گرایی) و «چرندیسیم» (ص. ۴۰۶)، مکتب «گانگستریسم» (ص. ۴۰۹) و غیره. انتقاد تند هدایت به کم‌اهمیت شدن معنا در آثار ادبی جدید را با نقل قولی از مقاله «شیوه‌های نوین در شعر فارسی» درباره شاعران پیرو مکتب تهوع‌گرایی بهتر می‌توان نشان داد: «بعضی دیگر از شاعران بزرگوار پیرو دبستان vomitisme معتقدند که مضامین شعر باید با زنده‌گی جدید وفق بدهد. بنا بر این البته شاعر باید از این‌پس به جای شمع و پروانه، از چراغ‌برق و پروانه گفت‌وگو بکند و خود ایشان این شیوه مرضیه را با زبردستی تمام به کار بسته‌اند: چراغ برق را پروانه‌ی گفت: که آخر از چه با گرمی نپی جفت؟ جوابش داد آن معشوق روشن: نمی‌سوزم تو را، بد می‌کنم من؟» (نوشته‌های پراکنده، ص. ۴۰۶)

«شعری» که هدایت در مقاله‌اش مثال می‌آورد، در واقع هجوگونه‌ی است از یکی از اشعار سید حسین شجره که بدین قرار است:

الهی عشق را شعله برافروز
وزان شعله دل پروانه می‌سوز
ز نور برق شد پروانه بیزار
برایش شمع را یارب نگه‌دار

بدین ترتیب هدایت کسانی را به سخره می‌گیرد که از درک وجوه زنده‌گی مدرن عاجزند و نمی‌توانند مضامین مربوط به عصر جدید را در آثارشان پیروانند. اینان گرچه قالب‌های ادبی را اتخاذ می‌کنند، اما قادر نیستند در آن قالب‌ها معانی بدیع خلق کنند.

هدایت توانست معانی‌بی بدیع در قالب‌های ادبیات داستانی بیروانند و آثار مانده‌گاری از خود به جای گذارد که — اگر بخواهیم از واژه‌گان و تعبیرهای خود او استفاده کنیم، باید بگوییم — «دارای فکر نیرومند و ارزش حقیقی است، تازه‌گی خود را از دست نداده و روز به روز بر اهمیت آن‌ها افزوده می‌گردد»، زیرا او با آگاهی از تکنیک‌ها شیوه‌های جدید داستان‌نویسی و نیز با آگاهی از جنبش‌های هنری و مکاتب فکری هم‌عصر خود، توانست آن روش‌های جدید را به خلاقانه‌ترین شکل در آثارش به کار برد. تجددخواهی ادبی هدایت، تلفیق هنرمندانه‌ی بود از نوگرایی و اتکا به میراث ادبی.

منبع: مد و مه

۲۵ نوامبر و دایره ناتمام خشونت علیه زنان



راضیه مبیاد

خشونت در برابر زنان به عنوان یک پدیده زشت اجتماعی، پیشینه‌ی به قدامت زنده‌گی بشر داشته که به برتری جسمی مرد نسبت به زن و به تبع آن، روحیه برتری طلبی مردان نسبت به زنان باز می‌گردد.

این ناهنجاری رفتاری به تناسب ویژه‌گی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی جوامع، دارای علل و عوامل مختلفی است که در بسیاری از کشورها بدون در نظر داشت باورها و اعتقادات مشاهده می‌شود. موضوع خشونت در برابر زنان، گذشته از این که می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی گردد و سلامت کانون خانواده را به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی به مخاطره اندازد، به کرامت انسانی و شخصیت ذاتی زن نیز صدمه وارد نموده و زن را به عنوان جنس دوم در همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، آموزشی و ... در خانواده و اجتماع معرفی می‌نماید.

سازمان ملل متحد به عنوان بزرگ‌ترین نهاد حمایت از حقوق بشر در جهان، خشونت علیه زنان را نقض حقوق بشر خوانده و برای ارج گذاشتن به مقام زن و جلوگیری از خشونت علیه زنان، ۲۵ نوامبر را «روز جهانی رفع خشونت علیه زن» نام گذاشته و از همه کشورهای و نهادهای فعال در عرصه حقوق بشر به‌ویژه زنان خواسته است تا در این روز برای آگاهی‌دهی به زنان درباره چالش‌های موجود فراروی آن‌ها از جمله خشونت، برنامه‌هایی را روی دست بگیرند.

پیشینه ۲۵ نوامبر:

پیشینه این روز به سال ۱۹۹۹ برمی‌گردد که سازمان ملل متحد به یاد و گرامی‌داشت قتل و آزار خواهران میرابال در جمهوری دومینیکن، این روز را انتخاب کرده است. خواهران میرابال از مخالفان رافائل لئونیدس تروخیو، دیکتاتور جمهوری دومینیکن بودند که در سال ۱۹۶۰ توسط مأموران دستگاه امنیتی این کشور بازداشت شده، ماه‌ها شکنجه شدند و مورد تجاوز قرار گرفتند و سرانجام در ۲۵ نوامبر همین سال، به قتل رسیدند. در سال ۱۹۹۹ سازمان ملل متحد، روز مرگ این سه خواهر را به عنوان روز جهانی «رفع خشونت علیه زنان» اعلام کرد.

خشونت چیست؟

واژه خشونت (Violence) به معنی درشتی کردن، تندخویی و زورگویی است. با آن که تصورات گوناگونی از واژه خشونت وجود دارد، اما اولین تعریف خشونت، مربوط به گلز و استراوس است که سال‌های زیادی به تحقیق در این زمینه پرداخته‌اند. این دو دانشمند خشونت را «رفتاری با قصد و نیت آشکار و یا رفتاری با قصد و نیت پوشیده اما قابل درک جهت وارد کردن آسیب به فرد دیگر» خوانده‌اند.

همچنان مگارتزی می‌گوید: «خشونت شکل افراطی رفتار پرخاش‌گرانه است که باعث آسیب مشخص به فرد قربانی می‌شود».

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، خشونت علیه زنان را هرگونه عمل خشونت‌آمیز بر پایه جنسیت که بتواند منجر به آسیب فیزیکی (بدنی)، جنسی یا روانی زنان شود، تعریف کرده است که شامل تهدید، اعمال اجبار یا سلب مستبدانه آزادی چه در اجتماع و چه در زنده‌گی شخصی می‌شود. بنا به تعریف سازمان بهداشت جهانی، سوءرفتار یا خشونت به استفاده عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی و یا تهدید بالای دیگران اطلاق می‌شود که می‌تواند آسیب ظاهری یا

تغییر لوگوی رئال مادرید برای جلب نظر مسلمانان



باشگاه رئال مادرید به احترام مسلمانان علامت صلیب را از روی لوگوی خود برداشت. فلورنتینو پرس، رییس باشگاه رئال مادرید لوگوی جدید این تیم را رونمایی کرد. تفاوت لوگوی جدید رئال مادرید با لوگوی قبلی آن یک صلیب است که در لوگوی جدید خبری از آن نیست.

روزنامه مارکا به انتقاد از تغییر لوگوی رئال پرداخته است و نوشت: باشگاه رئال مادرید به خاطر جلب هوادار در دنیا حاضر است هویت خود را تغییر دهد و این اصلا اتفاق خوبی نیست.

شرکت هواپیمایی امارات فصل گذشته به عنوان اسپانسر باشگاه رئال مادرید انتخاب شد و این شرکت سالیانه ۳۰ میلیون یورو به رئال مادرید پول پرداخت می‌کند.

انجام بازی‌های دوستانه و برپایی اردوی تدارکاتی در امارات یکی از اقداماتی است که رئالی‌ها قصد دارند در تابستان در برنامه همکاری توصیف کرد و گفت:

حالم خوب است



اسطوره فوتبال جهان با انتشار بیانیه‌ای عنوان کرد در وضعیت خوبی به سر می‌برد و هواداران نگران حال او نباشند.

پله که این روزها در بیمارستان آلبرت انیشتین بستری شده است روز گذشته به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شد تا باعث نگرانی علاقمندان به فوتبال شود. پله امروز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد شرایطش خوب است و هواداران نگران نباشند.

پله ۷۴ ساله در بیانیه خود نوشت: می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم و به اطلاع همه برسانم که شرایطم خوب است و مراحل درمانم به خوبی سپری می‌شود. جای نگرانی نیست و من به

کارمند و مستخدمین زن، خشونت‌های سیاسی و ... از مواردی‌اند که به گونه‌های مختلفی تبلور می‌یابند. عوامل خشونت علیه زنان

نظریه‌پردازان اجتماعی، پیرامون عوامل خشونت به‌ویژه خشونت علیه زن دیدگاه‌های زیادی ارائه کرده‌اند. از نظریه یادگیری اجتماعی باندورا که بر نقش خانواده و هم‌سن‌وسالان در ارتکاب خشونت اشاره داشته، تا نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، جامعه‌پذیری اجتماعی دوبار و نظریه هویت جنسی میشل فوکو که به جامعه مدرسالار می‌انجامد. همچنان دیدگاه‌های دیگری اصل را بر منابع، اعتقادات و باورهای مذهبی، فرهنگ و سنت زده‌اند و آنان را در ترویج و تداوم خشونت علیه زنان مؤثر می‌دانند. اما آنچه در این نوشته جا دارد بیشتر عوامل اجتماعی خشونت علیه زنان و عواملی که اغلب در افغانستان اثرگذارند، مطرح نظر است.

این عوامل از جمله ستم‌گری جنسیتی به منظور انقیاد و سرکوبی زنان است که از این طریق، خشونت با عمیق‌ترین و فراگیرترین اشکال آن در ساختار جامعه رخنه کرده و تسلط بنیادی مرد را نسبت به زن شکل داده است. بذر رفتاری مردان با زنان، بیشتر ریشه در سنت‌ها و روش‌های فرهنگی‌یی دارد که به مرور زمان در جایگاه ارزش‌های فرهنگی جامعه قرار گرفته و این فرهنگ در جامعه پدرسالار افغانی، برای ثبات حاکمیت مردانه را تقویت کرده است. منابع اقتصادی، عاملی است که بیشتر از هر چیزی دیگر معرف قدرت مردانه می‌گردد. تمکین زنان از روی مجبورت و یا ناتوانی، عامل دیگری است که به تداوم خشونت کمک می‌کند و ظاهراً صلابت مردانه در روابط خانوادگی و اجتماعی را مشروطیت بخشیده است. نبود محبت، عاطفه و احساس انسانیت و بشردوستی نیز از مواردی‌اند که گاهی اوقات با وجود آگاهی می‌توانند منجر به رفتار خشونت‌آمیز شوند و سایر عوامل دیگر که شمار آن‌ها زیاد است.

واکنش زنان قربانی خشونت:

واکنش قربانیان خشونت با توجه به شخصیت قربانی قابل تبیین است. زنان قربانی خشونت را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اول) قربانیان منفعل و پذیرا از جمله زنانی‌اند که به دلایل فرهنگی، حفظ عزت و آبروی خانواده، وابستگی شدید اقتصادی، ضعف بدنی و ... واکنش مستقیم نشان نمی‌دهند. قضایای چنین زنانی همواره به صورت طبیعی مخفی باقی می‌ماند. دوم) قربانیانی‌اند که در برابر خشونت ایستاده‌گی نموده و به محض اعمال رفتار خشونت‌آمیز علیه آن‌ها واکنش نشان می‌دهند. اما در افغانستان بیشتر زنان از دسته اول‌اند، زیرا تا زمانی «کارد به استخوان نرسد» صدا بلند نمی‌کنند. به همین دلیل، دست‌یابی به آمار دقیق از خشونت علیه زنان به‌ویژه خشونت‌های خانوادگی دشوار است و اکثر آن‌ها پنهان باقی می‌ماند.

پیامدهای خشونت علیه زنان:

پیامدهای خشونت علیه زنان، سبب عدم کارایی در محیط کار، خدشه‌دار شدن شرافت و عزت زن، کاهش منزلت خانوادگی و اجتماعی زن، پناه آوردن زن به داروهای روان‌گردان مانند الکل، مواد مخدر، ابتلا به بیماری‌های روانی، افسردگی مزمن، خودکشی و یا فرار از منزل و در نتیجه مورد سوءاستفاده‌های مختلف قرار گرفتن وی خواهد شد.

خشونت علیه زن نه تنها سبب آسیب‌هایی بر زنان بوده، بل به‌ویژه در محیط خانواده پیامدهای ناگوار و بازگشت‌ناپذیری بر اطفال دارد، زیرا خشونت در خانواده رشد سالم شخصیت فرزندان را مختل می‌کند و محیطی پُر از تنش و اضطراب و اجبار و سلطه‌گری را به بار می‌آورد و به نحو مخاطره‌آمیزی نسل بعدی را ضایع می‌سازد. فرزندان چنین خانواده‌هایی یا عامل خشونت و یا قربانی خشونت خواهند بود. مشاهده رفتارهای خشونت‌آمیز می‌تواند منجر به عدم موفقیت تحصیلی فرزندان شده و آن‌ها را با انواع آسیب‌های روانی چون اضطراب، افسردگی و مشکلات عاطفی و تربیتی مواجه نماید و روابط میان والدین و فرزندان را به سوی بی‌اعتمادی سوق دهد. چنین فرزندان در آینده با افراط در محبت خواهند داشت و یا به گونه‌یی افراطی، طالب محبت خواهند بود.

نتیجه:

با آن که شدیدترین نوع خشونت علیه زنان، خشونت فیزیکی خوانده شده و از سوی دیگر، این نوع خشونت بیشتر در کشور ما معمول می‌باشد، اما به هیچ صورت عدم اتخاذ تدابیر در راستای رفع خشونت‌های روانی، جنسی، اقتصادی و سایر انواع خشونت علیه زنان که مانع اشتراک فعال آنان در زنده‌گی اجتماعی - سیاسی می‌گردد را نمی‌توان توجیه کرد. منع خشونت علیه زنان، زمان و انرژی زیادی نیاز دارد؛ زیرا هر گونه مبارزه در راستای رفع خشونت علیه زنان، مبارزه با ذهنیت‌ها و باورهای اجتماعی فرهنگی بیمار جامعه است که در طول قرن‌ها شکل گرفته و زنان نیز آن را پذیرفته‌اند. مبارزه با خشونت علیه زنان نه تنها از طریق ممنوعیت خشونت علیه زنان ممکن است، بل صلابت و ایستاده‌گی زنان را در نه گفتن به خشونت نیز می‌طلبد.

مدیر مسؤول: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
ویراستار: روح الله یوسف زاده
مدیر خبر: مجتبی امیری
گروه نویسندگان: حلیمه حسینی، احمد عمران و کاوه جبران
گزارشگران: ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی
برگ آرای: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com **وب سایت:** www.mandegardaily.com

شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ - هرات: ۰۷۸۹۵۱۰۰۶۶

مسؤول توزیع: حبیب الله - ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸

نشانی: چهارراهی حصه دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچه پنجم

شماره گان: ۵۰۰۰

به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسندگان بر می‌گردد.

Year 6 NO 1422 Saturday 29 November 2014

DAILY

Mandegar

واکنش اداره ثبت احوال نفوس

در ارتباط به مقاله منتشره شماره ۱۴۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۸
 روزنامه ماندگار در رابطه به اداره مرکزی ثبت احوال نفوس



تشکیل اداره ثبت احوال نفوس تغییر رونما نگرديد که هـ اداره‌ی در چنین وضعیت ازعهده اجرای همه کارها درعین روز بدرشده نمی‌تواند، ناگزیر کاربه روز و یا روزهای بعدی موکول می‌گردد و همچنان حل اختلافی که گاهی بین تذکره و دفاتر اساس موجود می‌باشد نیز ایجاب دقت و زمان نسبتاً بیشتری را مینماید.

از جانبی توزیع پاسپورت الکترونیک شدیداً مستلزم تثبیت هویت اتباع کشور میباشد که این مهم ترین مسوولیت بخش توزیع پاسپورت را ریاست ثبت احوال نفوس بدوش داشته و در حقیقت ۵۰٪ مکلفیت آن اداره را ریاست ثبت احوال نفوس با قبول مسوولیت و زحمات تاقت فرسای پرسونل موجود انجام میدهد

از اینکه مراجعین از مشکلات اداره آگاهی ندارند بنا انتظار دارند که هم روزه کارشان انجام یابد و عدم اجرای آن در روز مراجعه شان سبب شکایت می‌گردد که موضوع به مقام محترم وزارت و معینیت اداری نیز در آغازین مشکل پیشنهاد گردید.

ازجانبی کار اداره ثبت احوال نفوس دقت استثنایی را می‌خواهد که اداره در این قسمت با چالش‌های عمده مواجه است از جمله:

- ۱- نظام‌های مختلف در زمان تسلط شان تذکره تابعیت طبع و برای اتباع کشور توزیع نموده اند و این موضوع کشور را با تعدد اسناد هویتی مواجه ساخته است و ازجانبی شبکه‌های جعلکار در داخل و خارج تذکره افغانی را جعل نموده بدسترس اتباع داخلی و خارجی قرار داده اند که تثبیت صحت تذکره‌های تابعیت را مستلزم دقت بیشتر گردانیده و مسوولیت اداره را در قسمت تثبیت هویت اتباع سنگینتر ساخته است.
- ۲- استخبارات برخی کشورهای همسایه در تلاش بدست آوردن تذکره افغانی برای اجنت‌های شان هستند.
- ۳- افراد و شبکه‌های جعلکار می‌خواهند خود را وارث و یا صاحب جایداد کسانی که طی سالیان متمادی مهاجرشده اند قرارداده به نام آنها تذکره اخذ و ملکیت آنها را تصاحب کنند که این هرودحالت ایجاب دقت مزید را مینماید.
- ۴- برخی افراد برای...

قبلاً تشکیل ریاست ثبت احوال نفوس تحت ریفورم اصلاحات اداری و خدمات ملکی قرار گرفته و چون تصمیم بود تا توزیع عمومی تذکره کمپیوتری به سطح کشور صورت گیرد بنا بیش از ۴۰٪ تشکیل اداره مرکزی تقیص گردید. به نحوی که برای حوزه‌های چهار گانه ریاست ثبت احوال نفوس در بخش توزیع تذکره، جمعاً ۳۳ نفر کارمند اختصاص یافت و این ظرفیت برای اجرای امور روزانه ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر مراجعین عیار گردید. با این ترکیب، اداره به مشکل می‌توانست خدمات ثبت احوال نفوس را برای حدود شش میلیون شهروند کابل که شامل موارد ذیل می‌گردد، عرضه کند:

- توزیع تذکره اصل و مثنی برای اهالی ولایات مقیم شهرکابل روزانه ۳۰۰ الی ۳۵۰ نفر بعد از تثبیت هویت توسط وکیل گذر یا دو نفر مامور دولت با مراجعه ثبت ردیف فامیلی، طی مراحل پروسیجر کاری که یقیناً زمانگیر بوده اگر فرضاً به یک یا دو روز معطل می‌شود علت آن بوده که متقاضی ضمانت و یا تذکره اقارب اصولی شان را حاضر کرده نمیتواند.
- سایر اجراء امور ثبت احوال نفوس از قبیل نصب فتو، نقل مکانی، اصلاح سن و تغییر در احوال شخصی اتباع روزانه ۵۰ الی ۱۰۰ نفر.
- ارایه معلومات به استعلام‌های محاکم در مورد خرید و فروش و معاملات حقوقی روزانه ۲۰ الی ۳۰ فامیل
- عرضه خدمات کارت تولد و پارچه فوت روزانه حدود ۱۰۰ نفر
- ارائه رهنمودها و معلومات برای ادارات ثبت احوال نفوس ولایتی و ولسوالیها
- رسیدگی به اوامر، هدایات، مکاتیب
- راپورگیری و راپوردهی، ترتیب گزارشات
- بنابر مشکلات امنیتی در مجموع کشور که ایجاب تائید تذکره‌ها را مینمود، وظایف آتی به شکل غیرقابل پیشبینی بر حجم کارعادی این اداره افزوده شد:
- تائید تذکره‌های اتباعی که به صفوف قوای مسلح استخدام می‌شوند، روزانه بیش از ۸۰ نفر.
- تائید تذکره‌های کاندیدان بورس‌های تحصیلی و دارنده گان کس‌های خارجی روزانه اضافه از ۱۰۰ نفر
- تائید تذکره‌های شهروندانی که در برخی ادارات دولتی استخدام می‌شوند.
- پرسونل اداره بازحمات شبورزی ازعهده این وظایف به مشکل بدر می‌آمدند.
- طوریکه همه‌گان میدانند وقتی وظیفه یا تکلیف جدید خارج از لایحه موجود وظایف به یک ارگان محول می‌شود باید ظرفیت لازم در آن ایجاد شود؛ اما متأسفانه بدون کوچکتربین تغییر در ظرفیت اداره تائیدی تذکره‌های کسانی که پاسپورت کمپیوتری اخذ می‌دارند روزانه حدود ۸۰۰ الی ۱۰۰۰ نفر به این اداره راجع شد یعنی پرسونل ثابت ماند و حجم کار سه برابر افزایش یافت در حالیکه در تشکیل ریاست پاسپورت تزئید قابل ملاحظه به میان آمده و در

سارک

از تخیل تا واقعیت



خالد نجوا

پروژه‌ها، تأمین منابع مالی و کار نظارت و هماهنگی را عهده‌دار می‌باشد. کشورهای عضو سارک در سال ۲۰۰۴ طی موافقت‌نامه تجارت آزاد منطقه جنوب آسیا (سفتا) و در سال ۲۰۰۵، صندوق پولی را جهت فراهم‌سازی تسهیلات تجارتي و ارتقای سطح معیشتی ایجاد کردند. کشورهای عضو سارک به دنبال همکاری‌های اقتصادی، فراهم کردن تسهیلات تجاری، ترویج رفا، همکاری‌های متقابل و فقرزدایی طی اجلاس نهم توافق کردند که به مسایل سیاسی به‌خاطر گسترش صلح و ثبات نیز بپردازند. همچنان سران این سازمان در بیشترین نشست‌های خود، مقابله با تروریسم را که آسیب جدی را بر کشورهای جنوب آسیا وارد کرده است نیز در دستور کار خود قرار داده است.

دستاوردهای سارک:

شکل‌گیری چنین سازمانی در جنوب آسیا با ایجاد تعامل منطقه‌ی، بزرگ‌ترین دستاوردی‌ست که تا حال در منطقه صورت گرفته است. اختلافات عمیق هند و پاکستان چندین بار این دو کشور را در آستانه جنگ قرار داده، اما کوشش‌های این سازمان سبب گردیده تا هر دو طرف کنار هم نشسته به تفاهماتی دست یابند. از جانب دیگر، عضویت افغانستان در این سازمان سبب شده تا راه ابریشم دوباره اهمیت از دست داده خود را باز یابد و همچنین زمینه روابط کشورهای جنوب آسیا با جمهوریت‌های آسیای مرکزی فراهم گردد.

هرچند طرح‌های این سازمان تا کنون روی سیاهه‌ها باقی مانده است، اما آزمندی‌هایی وجود دارد تا این سازمان گام‌های استواری را در کنار برنامه توسعه اقتصادی در تأمین امنیت، مبارزه با تروریسم و همکاری‌های منطقه‌ی نیز بردارد.

موانع فراراه سارک:

سارک با توجه به رقابت‌های منطقه‌ی و روابط خصمانه هند و پاکستان که دو عضو محوری این سازمان استند، نه تنها نتوانسته زمینه‌های منطقه‌گرایی، همکاری‌های اقتصادی و باورمندی را میان اعضای این سازمان ارتقا دهد، بلکه بستر قطب‌بندی‌های جدیدی را در درون سازمان پدید آورده که این وضع سبب شده تا کشورهای محوری این سازمان به جست‌وجوی شرکای اقتصادی‌ی بروند که از لحاظ سیاسی و امنیتی نیز با هم پیوندی‌هایی دارند. این قطب‌بندی‌ها را می‌توان در همکاری‌های اقتصادی میان پاکستان (عضوی اصلی) و چین (عضو ناظر) در ایجاد بندر گوادر با توجه به اختلاف دیرینه این دو کشور با هندوستان، و یا در شکل وارونه آن، همکاری اقتصادی میان ایران و هند و همچنان سرمایه‌گذاری‌های هند روی اعمار جاده‌های ترانزیتی ایران و تأسیس بندر چابهار، مشاهده کرد. همچنین پاکستان و هندوستان بر سر کنترل منابع آبی کشمیر و مراکز تولید انرژی در مسیر این آب‌ها اختلاف شدید دارند. هندی‌ها پاکستان را لانه تروریسم می‌دانند و خود را قربانی صدور تروریسم توسط این کشور...

طرح شکل‌گیری سازمان همکاری‌های کشورهای جنوب آسیا (سارک) برای نخستین بار توسط ضیا نور رحمان رییس‌جمهور بنگلادش در دهه ۱۹۷۰ پیشنهاد گردید. این پیشنهاد طی نشست در نوامبر ۱۹۸۰ از سوی کشورهای هند، سریلانکا و پاکستان پذیرفته شد و نخستین نشست «وزیران خارجه هفت کشور مؤسس این سازمان (بنگلادش، بوتان، هندوستان، مالدیف، نیپال، پاکستان و سریلانکا) در سال ۱۹۸۱ در شهر کالمبو برگزار گردید. چند ماه پس از آن، طی نشست گسترده، همکاری‌های منطقه‌ی این سازمان بر پنج حوزه تمرکز یافت و در سال ۱۹۸۳ وزیران خارجه این هفت کشور طی نشست در دهلی نو، اعلامیه اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ی کشورهای جنوب آسیا (SAARC) مبتنی بر همکاری‌ها در راستای: ۱- کشاورزی و توسعه روستایی؛ ۲- همکاری‌های علمی و تکنولوژیکی ارتباطات و هواشناسی؛ ۳- بهداشت و فعالیت‌های مردمی؛ ۴- حمل و نقل و خدمات پستی؛ و ۵- هنر، فرهنگ و ورزش را منتشر کردند. بنا به پیشنهاد کشور هندوستان در سال ۲۰۰۵، افغانستان به عنوان عضو ناظر و در سال ۲۰۰۷ به عنوان عضو اصلی این سازمان پذیرفته شد و اعضای سارک به ۸ عضو ارتقا پیدا کرد.

کشورهای چین، جاپان، ایالات متحده، ایران، کوریا و اتحادیه اروپا عضو ناظر در این سازمان می‌باشند.

در این سازمان، کنفرانس سران کشورها و یا رییسان هر دو سال یک بار برگزار می‌شود و وزرای خارجه کشورهای عضو، سالی دو بار با هم اجلاس دارند و در شرایط فوق‌العاده، با توافق کشورهای عضو، اجلاس اضطراری برگزار می‌کنند.

دبیرخانه سارک، نقش خود را در هماهنگی و نظارت بر اجرای فعالیت‌های این سازمان و کانال ارتباطی بین سارک و دیگر سازمان‌های بین‌المللی ایفا می‌کند. کمیته دائمی این سازمان که متشکل از وزیران خارجه کشورهای عضو است، بسیج منابع، تعیین اولویت‌ها، نظارت و تصویب

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

روزنامه

ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسییده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر

سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی

شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی

یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰